

نیست. در قیاس با مساجد ایرانی و عراقی تصور می‌رود که شبستان‌ها هر کدام در زاویه قائم با دیوارهای بیرونی و به همان گونه که از مساجد اردستان، نائین و واسط شناخت داریم (شکل ۲)، تلاقی کرده‌اند. در مساجد واسط و دامغان رواق‌های حیاط به وسیله طاق‌گان هائی به بخش‌هایی از اتاق که بعداً در مساجد فهرج و همچنین نائین (شکل ۳) به قسمت‌های مجزایی تغییر یافته‌اند، تقسیم بندی شده‌اند.

دیوارهای بیرونی مسجد شوش به وسیله ستون‌های توکار مستطیل شکل در طرح اصلی تقسیم بندی و تقویت می‌شوند که تعداد آنها در هر کدام از دیوارهای ضلع طولی چهار ستون و در

قدیمی‌ترین مسجدی که تاکنون در خاک ایران می‌شناسیم مسجد شوش است که طرح یا طرح‌های اصلی آن از طریق حفاریات باستان‌شناسی شناسائی شده است. طرح مربوط به تاسیساتی مستطیل شکل با حیاطی مربع است که در آن سه ردیف ستون هر ردیف شامل هفت ستون مربع شکل شبستان (حرم) و ردیفی شامل پنج ستون همراه با ستون گوشه ها رواق حیاط را می‌سازند. (شکل ۱).

ستون‌های چهارگوش توکار - بنای مسجد به اولین دهه قرن

شوش، اصطخر، سیراف، دامغان مساجد ستون دار ساده‌اوایل دوره اسلامی

نویسنده: باربارا فینستر

برگردان: فرامرز نجدسمعی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دیوار قبله سه ستون است. در حالی که گوشه‌های دیوار قبله را ستون‌های چهارگوش توکاری که به عنوان ادامه دیوارها می‌توانند مفهوم شوند، اشغال می‌کنند، نمای مسجد را ستون‌های توکار جسیم گوشه‌ها که در طرح اصلی چهارگوش هستند همراه با احتمالاً تنها راهروی واقع در وسط، تأکید و تشدید می‌کنند. اینکه آیا مسجد قبلاً به عنوان مسجدی طرح ریزی شده بر روی یک صفه طراحی شده بوده است موضوعی مهم اما قابل تصور است. البته مناری وجود نداشته و محرابی مشخص نشده و آثاری به چشم نخورده است، ولی در عوض در گوشه شرقی حیاط بقایای ساختمانی به شکل بقعه با طرحی مربع یافت می‌شود که احتمالاً بر چاه آبی سایه می‌افکنده است.

مسجد در طرح اصلی خود خطوط مساجد عربی به ویژه

اول هجری تاریخ گذاری شده است - برای دوره اولیه غیر عادی است و جای سؤال است که آیا پایه ستون‌ها مثل مسجد جامع بغداد، سیراف، یا اسکاف بنی جنید (Iskāf bani Ğunaid) به عنوان زیر ستون برای ستون‌های چوبی کاربرد نداشته است. در آنجا باید ستون‌هایی از چوب گردو برپا شده و سقفی مسطح را حمل کرده باشند^(۱). تطبیق اینکه دیوار طاق‌گان‌ها رواق‌ها را ساخته باشند برای مسجد شوش قابل تردید نیست، بلکه در اینجا نیز طبق نمونه مساجد شبه جزیره عربستان فرسب‌ها مستقیماً روی ستون‌های چوبی قرار داده‌اند. حتی مسجد منصور در بغداد درست صد سال بعد معجزه این نوع از بنای مذهبی که سقفی مسطح داشته، بوده است^(۲).

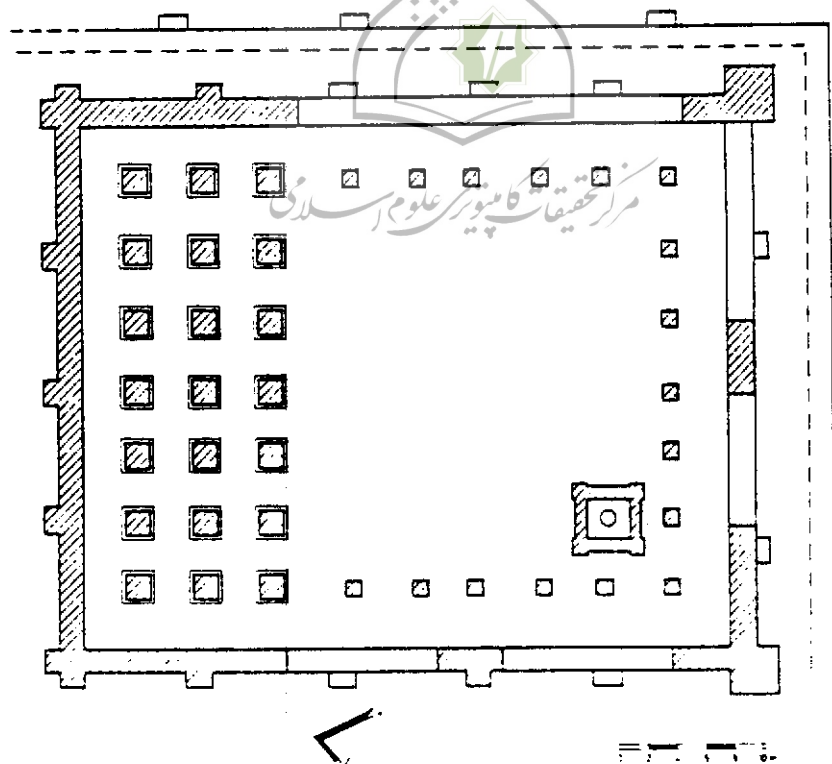
جهت شبستان‌های اشاره شده بدین ترتیب، بکر قابل بازسازی

قدیمی را به همان گونه که در بین النهرین توسعه داده شده است، بر خود دارد. شاخص، حیاط نسبتاً وسیعی است که شبستان درش به آن باز می‌شود. حیاط و شبستان واحدی را تشکیل می‌دهند و اتاق‌ها از هم رد می‌شوند. به واسطه اختلاف ارتفاع البته می‌تواند ظرفیت‌هایی در این حد که شبستان بر رواق بیرون مشرف باشد، ایجاد شده است. برای این مورد نه فقط مساجد مختلف شبه جزیره عربستان یا یمن، بلکه مسجد دامغان (۳) نیز نمونه‌ای عرضه می‌دارد.

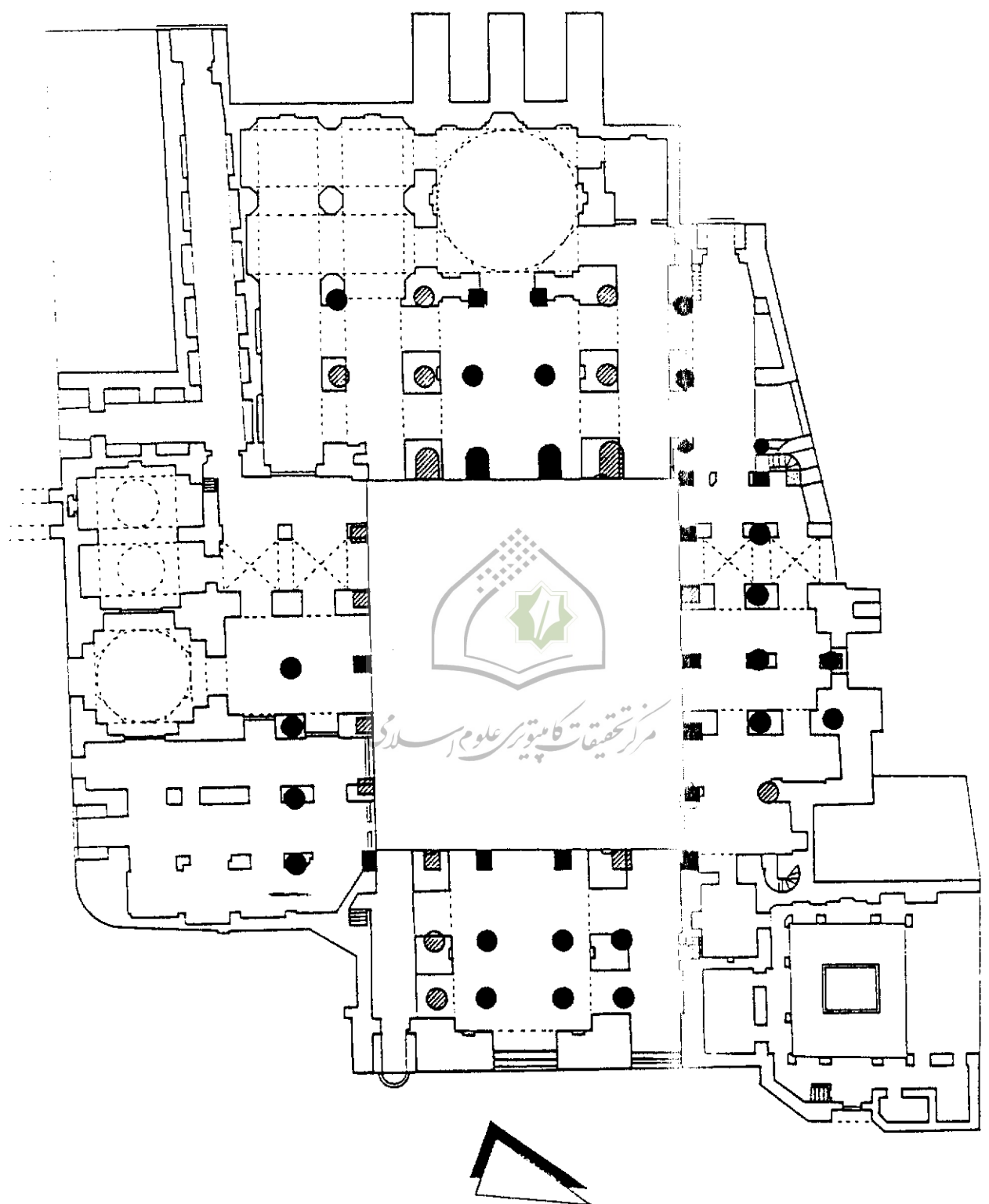
در مسجد شوش ظرفیتی در این حد ایجاد شده که تالار نمازخانه به وسیله پشتبانی‌های جسیم از رواق حیاط عقب نشسته بوده است. بدین وسیله می‌تواند تحت شرایطی ارتفاع بیشتری نیز نتیجه شود. مسجد واسط در سیستم ظریف ثابت ستون‌ها، طبقه بندی اهمیت بخش‌های بنا را نشان می‌دهد. در اینجا در حالی که ستون‌های ساده بدون تزئین برای رواق حیاط تعیین شده بودند، ستون‌هایی با تزئینات بسیار غنی منطقه محراب و ستون‌های کم آذین شبستان را به خود اختصاص

داده‌اند.

محراب همان طور که ذکر شد علامت گذاری نشده است یا که تخریب دیوار قبله به واسطه ساخت و ساز دومین دوره جای قضاوت نگذاشته است. با این وصف این طور به نظر می‌رسد که محراب به عنوان یک درگاه محراب شکل مورد ادعاست که با توجه به تاریخ گذاری قدیمی تعجب آور به نظر نمی‌رسد. ولی مسجد جمعه سیراف نیز که اساساً خیلی بعدها عرضه شده محرابی نداشته است. بلکه احتمالاً دارای قابی با درگاه پیش نشسته در شکل طاق شبیه به لوح غار قبه الزهرا (Gubbat as - sahra) ^(۴) بوده است. برای مسجد مرحله دوم محرابی درگاه مانند در چهارمین شبستان از غرب قابل تصور است، چون در اینجا به صورتی آشکار یک درگاه در دیوار قبله پدیدار است. طبق روایت که موقعیت محرابی تعیین شده از قدیم نباید تغییر داده شود، می‌توان تصور کرد که در این محل در قدیم نیز نشانه‌ای برای یک محراب - به هر نحوی که ممکن است پیش بینی شده باشد - تعیین کرده شده است ^(۵). ولی در مسجد

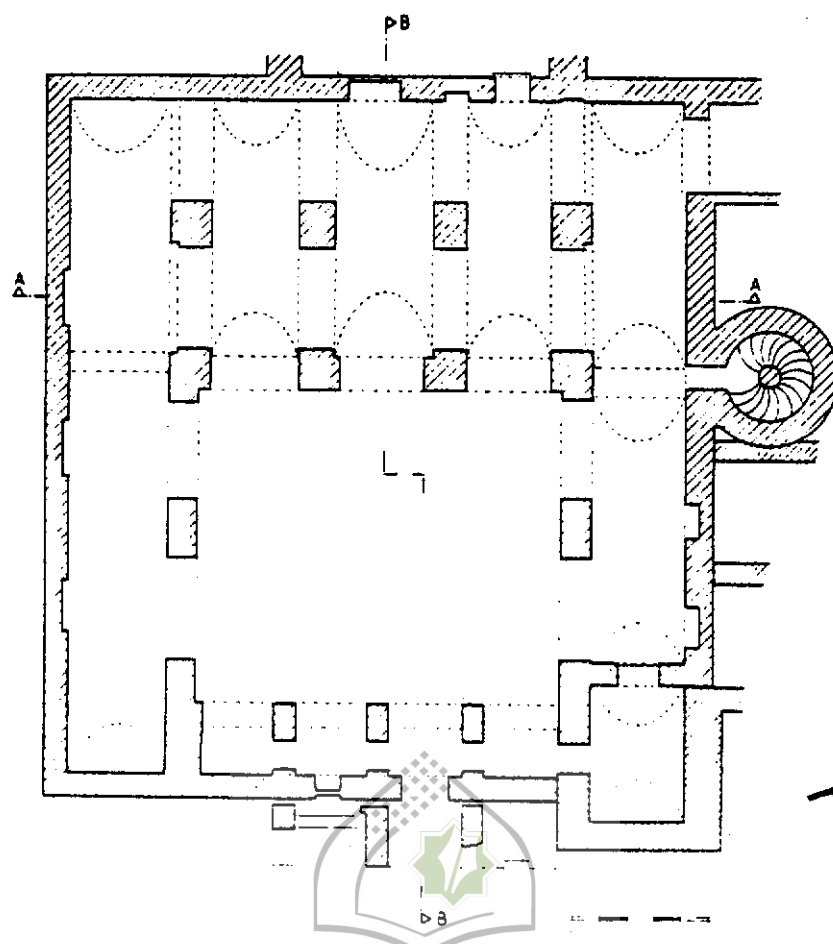


شکل ۱- مسجد جمعه شوش، مرحله اول (طرح از م. کروان)



شکل ۲ - مسجد جمعه اردستان (طرح از ب. آ. شیرازی - مسجد جامع اردستان
 اثر ۱۳۵۹، ص ۱۳۸)

0 5 10 15 20 25m



شکل ۳- مسجد فهرج (طرح از «پیریا، اصفهان»
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

اجرا شده منظم مسجد قدیمی عربی ممکن است به عنوان بیان یک قانون کلی دمکراتیک که تمایزی را نمی‌پذیرد، ارزیابی شود. حتی پیشنماز نیز از جمعیت، با این حال که هدایت آنان را در نماز به عهده دارد، متمایز نیست.

همان گونه که مسجد اصطخر با موقعیت منبر نشان می‌دهد، جابجائی از محور حتی با قابلیت رؤیت نماد قبله، قابل توضیح نیست. اگر منبر در شبستان الحاق شده از غرب قرار داشت، در این صورت ردیف ستون‌ها در وسط امتداد می‌یافت. در اینجا به صورتی آشکار نمونه مسجد پیامبر در مدینه، جائی که محراب و منبر هر کدام از هم در شبستان خود قرار^(۷) داشته‌اند، منعکس است.

از تزئینات در مسجد شوش، در صورتی که بنا در هر حال با

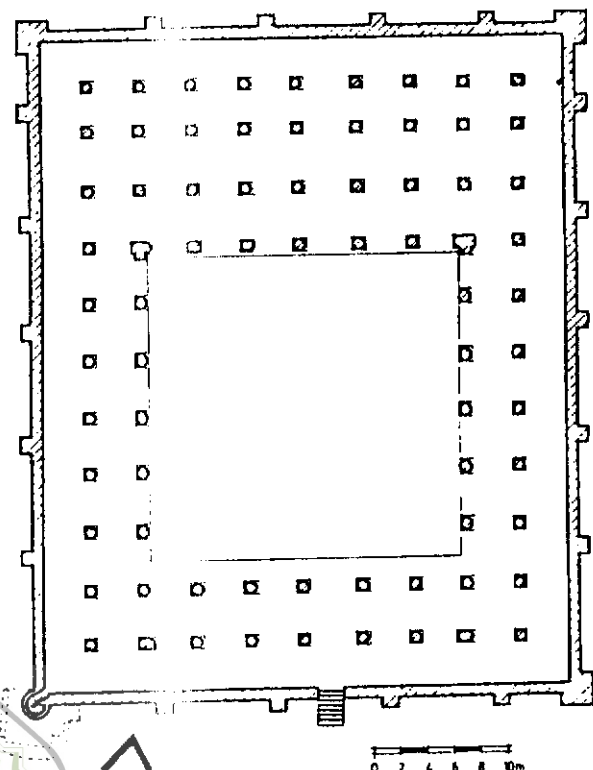
قدیمی (مرحله اول) نیز محراب در محور بنا قرار نداشته است، بلکه کمی به سمت شرق جابجا شده است و در شبستان چهارم از شرق نیز به همین گونه، در این میان آنچه مشهود است نقشی بازی نمی‌کند. در مسجد اسکاف بنی جنید به عنوان مثال محراب از محور طوری به سمت شرق تغییر جا داده شده است که ردیفی از پشتیبان‌ها جلوی دید به محراب را گرفته است. تحلیل‌های مشابهی در مورد مساجد قدیمی یمن، به عنوان مثال در مورد مسجد جامع صنعاء (san'a) یا ذمار^(۸)، (Damār)، نقل شده است.

آنچه به طور کلی مشهود است چیز مهمی نیست، با وجود این که محرابی بایستی باشد که موجود است. نشانه محراب به عنوان نماد حائز اهمیت است، ولی نه مرکزیت قابل رؤیت مسجد به سمت محراب به عنوان مقدس‌ترین نقطه در عبادتگاه. این طرح

باشد که در مورد بنای معابد نیز تأثیر گذاشته است. تلاش مشابهی در عراق باعث شده است که مساجد با الحاقاتی احاطه شوند، یعنی با محدوده‌ای که آنها را از بقیه دنیا محفوظ می‌دارد. مسجد تولونید در قاهره ولی با وجود الحاقات با چند پله در ارتفاع بالاتری قرار گرفته است و چنین به نظر می‌رسد که انگار مسجد شوش در مرحله اول خود عیناً دارای فضای آزاد مجزائی بوسیله یک دیوار بوده باشد.

تقسیم دیوار احاطه کننده، با برج‌های گوشه‌ای و میانی بدان گونه که در مسجد شوش قابل یافتن است، به نظر می‌رسد که وابسته به منطقه، یعنی معماری مقدس بین النهرین است. این تقسیم بندی علاوه بر این برای مسجد جمعه اصطخر (شکل ۱ و ۲) و احتمالاً بسطام که در اینجا احتمالاً نمونه‌های عراقی را دنبال می‌کنند، نقل قول شده است. برج‌های گوشه‌ای و میانی در مساجد واسط و سامرا (شکل ۵) نیز یافت می‌شوند. محدوده بالایی دیوار مسجد سامره به طور اضافی بوسیله پنجره‌های گردی که در قاب‌های مربع شکل نشسته‌اند، قطع می‌شود و بدین ترتیب ویژگی‌های دفاعی تأسیسات عظیم را تأکید می‌کند. با این وصف این تقسیم بندی از استحکامات دفاعی گرفته یا حفظ نشده است.

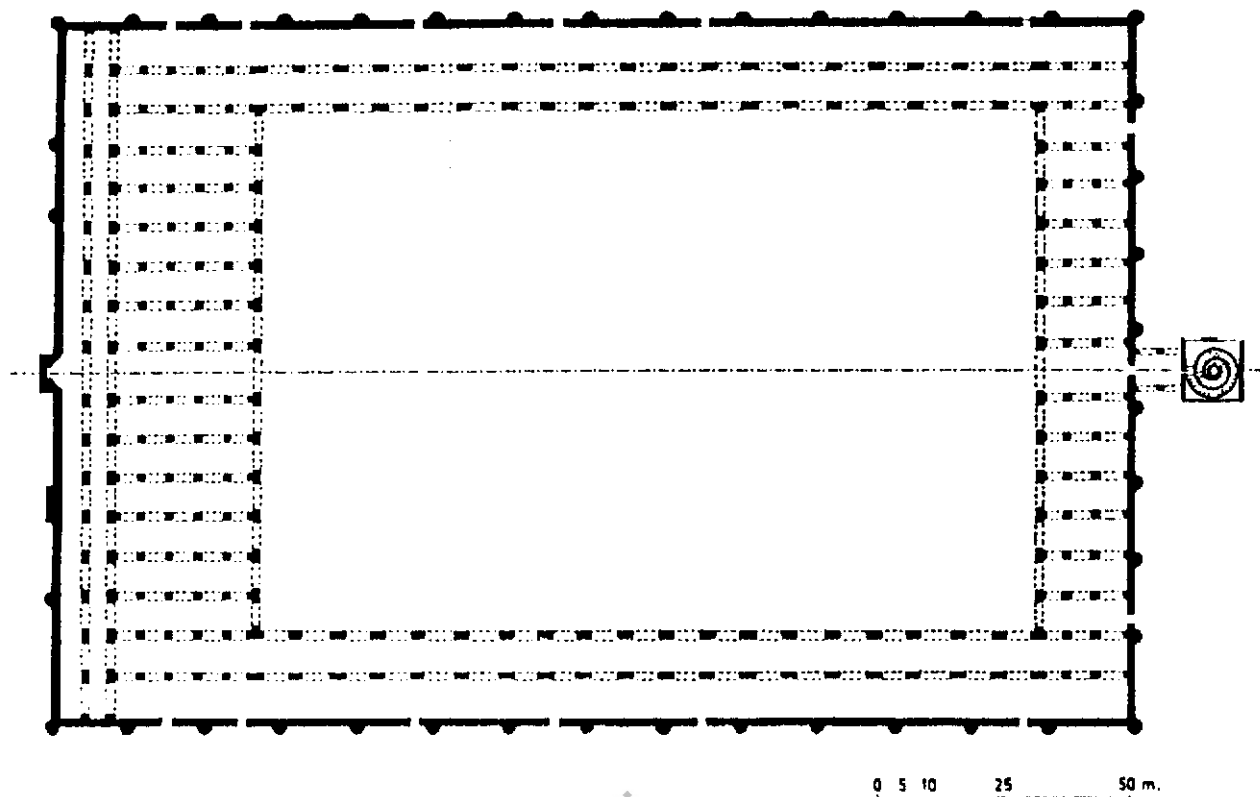
بلکه در عراق پیش از این در دوره پارت برای این به کار رفته است که دیوار مدور عبادتگاهی را شکل دهد که بنابراین در دوره گذشته‌تر به عنوان نشانه اشرافیت به کار می‌آمده است. بدین ترتیب دارالعماره در کوفه نیز همچنان مثل مسجد و قبه الخضراء (Gubbat - al - Hadra) در واسط، برج‌های گوشه‌ای و میانی را نشان می‌دهند. ولی مسجد شوش علاوه بر این حتی در مرحله قدیمی‌اش یک جبهه ورودی استوار با در ورودی مرکزی عرضه می‌کند که احتمالاً از طریق پله‌هایی قابل دسترسی است و از پهلوی به وسیله برج‌های گوشه‌ای جسیم پشتیبانی می‌شود. البته مورد سؤال است که آیا در مقایسه با بناها در عراق در آن سه نمای دیگر نیز برج‌های گرد سه ربعی در روی پایه‌های مربع به پا خاسته‌اند. با این حال مسجد بدین ترتیب نمای بیرونی گیرانی داشته است که اجازه نمی‌داده است مسجد در بازار یا آشفته‌گی خانه‌ها محو شود، به ویژه مسجد اضافه بر این در روی تپه‌ای قرار داشته است.



شکل ۴ - مسجد جمعه شوش، مرحله دوم (طرح از، گیرش).

کج سفیدکاری نشده بود، چیزی از مرحله اول نقل قول نشده است. رنگ سفید از قدیم رنگ بناهای مذهبی بوده و اینک طبق دستور برای مساجد در نظر گرفته شده^(۱) است. برای مسجد مرحله دوم برعکس، که در ویژگی تفاوت زیادی با مرحله اول ندارد، تزئینات گچبری نقشمایه‌های پیچک و شنبیه‌ها گواهی شده است.

ورود به مسجد مرحله دوم از طریق یک ورودی در وسط دیوار شمال غربی انجام می‌گیرد که به وسیله پله‌های عملی است (شکل ۴). مسجد روی سکونی برپا است که آن را فضای معمولی جدا می‌کند. برای سایر مساجد فارسی مثلاً در سیراف، جوویم (gwaim) نرماشیر، راس القشم، کرکم (Krkum)، نیز سکونی روایت شده است. به نظر می‌رسد که در اینجا خصوصیتی وابسته به چشم انداز وجود داشته باشد که برای محل دیگری به اثبات نرسیده است. باید با این وجود جداسازی از زمین، همان تفکیک آگاهانه از فضای معمولی منظور نظر بوده



شکل ۵ - مسجد ابودولف، نمونه طرح از ل. گلین

مسجد اصطخر

مسجد اصطخر در طرح اصلی تقریباً مربع شکل خود تا جایی که انتشارات اجازه قضاوت می‌دهند اثری قدیمی و کهن به جا می‌گذارد، با این وصف سرگذشت بنا کاملاً مبهم است (شکل ۶) تصور می‌شود که بنا عیناً مثل مسجد شوش و سیراف در زمان‌های بعدی به شدت تغییر یافته باشد.

محراب به عنوان یک کار در دیوار - همان طور که ذکر شد - در اینجا نیز در محور مسجد قرار ندارد، بلکه به سمت شرق جابجا شده که مثل منبر در فاصله‌ای یکسان از محور میانی فرضی، دور است. محراب و منبر در قطعه میانی مسجد که به وسیله طرح برجی نیم دایره نمای جنوبی مشخص می‌شود، جا گرفته است. بین منبر و محراب یک ردیف پشتیبان امتداد یافته است، به نحوی که به هر کدام از آنها طبق نمونه در مسجد مدینه یک شبستان سهم می‌رسد.

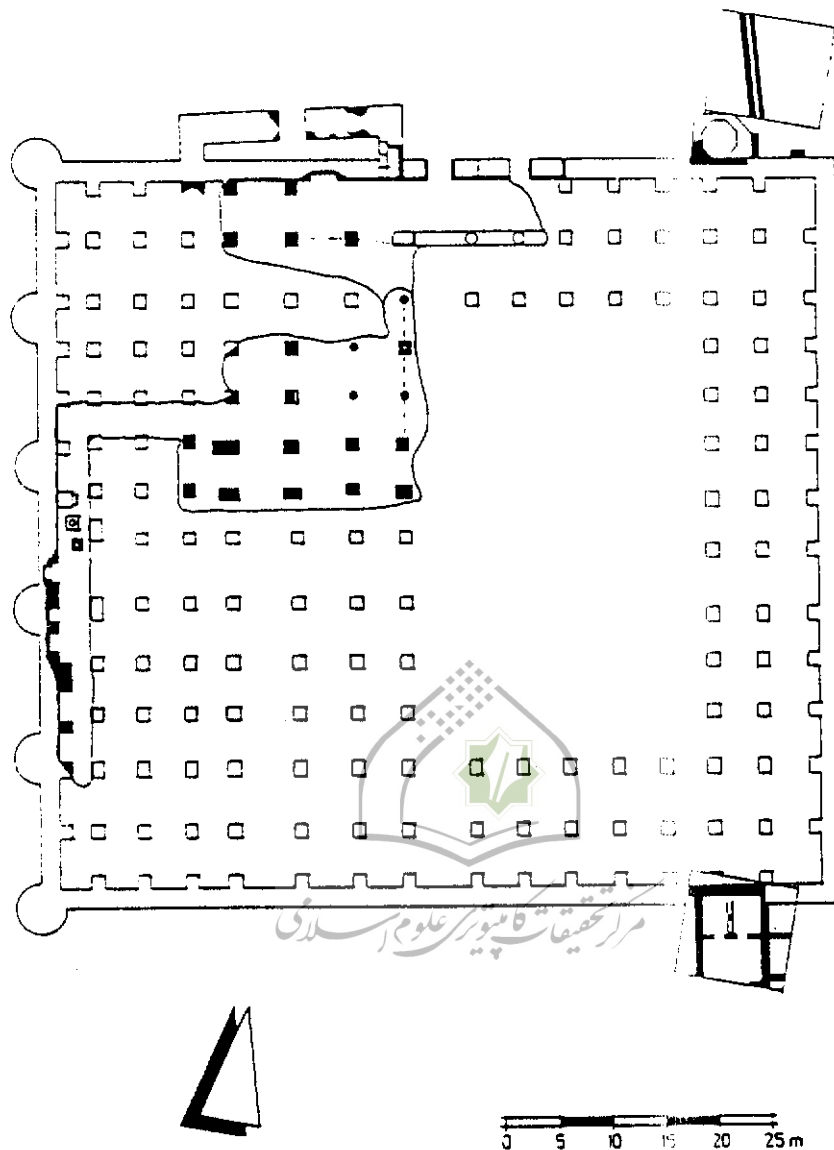
پشتیبان‌های مسجد از مصالح دوباره به کار گرفته شده،

سلتون‌ها و سرستون‌هایی تشکیل می‌شوند که از معماری هخامنشی و ساسانی برداشت شده‌اند. در این میان غیر ممکن نیست که در اینجا نیز مصالح دوباره به کار گرفته شده بر حسب درجه زیبایی‌شان در شبستان مسجد طوری برپا شده باشند که تأکید روی محدوده محراب را در پی داشته باشند. در قرن ۱۰ "المقدسی" گواهی داده است که مسجد به گونه مساجد سوریه ساخته شده است، چیزی که می‌تواند به یک طاقان بندی اشاره کند.

مسجد تجهیز شده با برج و باروهای گوشه‌ای و برج‌های میانی نیم دایره، به نوع مساجد عراقی تعلق دارد. منار در اینجا همانند مرحله اول شوش خیلی کم مورد گواهی قرار گرفته است.

مسجد سیراف

مسجد سیراف در هر دو مرحله خود طرح اصلی "مساجد عربی" را عرضه می‌کند، در حالی که اولی به همان نمونه‌ای قابل انتساب



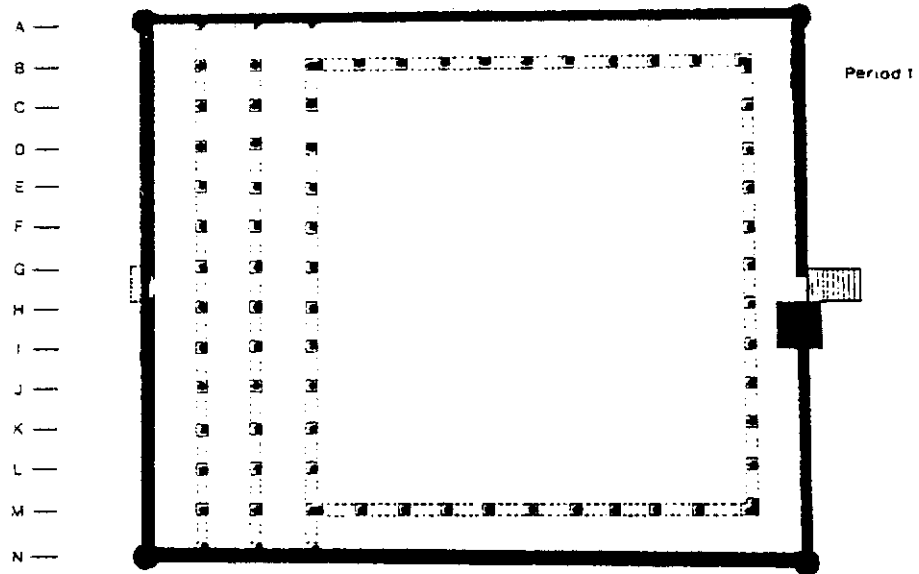
شکل ۶ - مسجد اصغر (طرح از: د. وایت کمپ)

می‌کند. حیاط وسیع در سمت قبله شبستان با سه ردیف ستون محدود می‌شود، رواق‌ها حیاط را با هفت ستون در سمت شمال غربی و جنوب شرقی و هشت ستون در سمت شمال شرقی و جنوب غربی، احاطه می‌کنند. همه شبستان‌ها باید به عقیده کاوشگران موازی دیوار بیرونی امتداد یافته باشند که خود برای مرحله اول دیوارهای طاقگان دار داشته است.

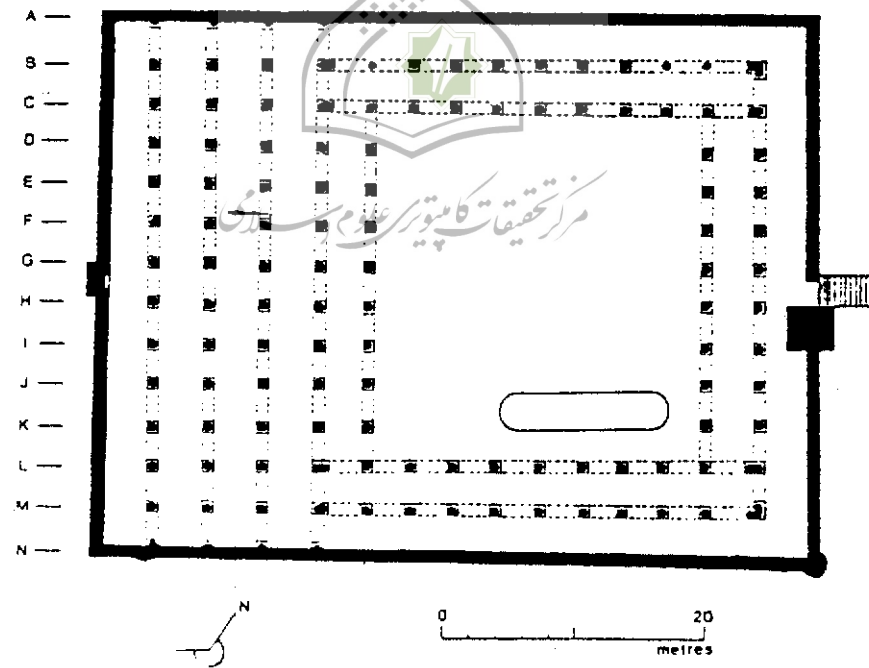
ورودی که فقط از طریق پله‌ها قابل دسترسی است در محور بنا مقابل محراب قرار دارد. بلافاصله در کنار دروازه در شرق

است که مسجد شوش نیز در هر دو مرحله به آن تعلق دارد (شکل ۷ و ۸). در اینجا نیز دقیقاً در آغاز تأکید روی جهت طولی، نمای ورودی آشکار، شرایط مشابه سطوح مسطح به حیاط، تنظیم پشتیبان‌ها و این واقعیت که در هر دو مورد مسجیدی بر روی سکو مطرح است قابل مشاهده است. البته کیفیت در اینجا مطمئن‌تر است.

تاسیسات در اولین مرحله خود مربع مسطیعی را توصیف می‌کند که بسط طولی آن از عرضی حدوداً فقط یک متر تجاوز



شکل ۷ - مسجد جمعة سیراف، مرحله اول طرح از، وایت هاوس



شکل ۸ - مسجد جمعة سیراف، مرحله دوم طرح از، وایت هاوس

مناری روی یک پایه مربع برپا خاسته است. گوشه‌های نما و همچنین دیوار قبله را برجهایی سه ربع گرد بپوشانده‌اند. بدین وسیله مسجد نه فقط جهتی هدف دار - همان گونه که در مسجد دمشق مصداق دارد - بلکه ترکیبی عمدی به سمت محراب دارد. منار طبق سنت منارهای بین النهرین به عنوان مناری تنه گرد بالا رفته است.

محراب که نخست فقط به عنوان کاوی مسطح یا در شکل یک قاب عرضه شده است، بعداً به وسیله یک محراب کامل جایگزین شده است که طرح اولیه آن باز هم طبق سنت عراقی مربع مستطیل مسطحی را می‌سازد. منبر احتمالاً مطابق مرحله دوم در پایه ضمیمه شده از غرب قرار داشته است.

مسجد در دومین مرحله خود وقتی به سمت غرب توسعه یافته، ماهیت بنا تغییر عمده‌ای نیافته است. ولی بدین وسیله استواری بسط طولی و محور محراب را که به مفهوم کشیدگی اضافی طرح اصلی بوده است، در پی داشته است. البته حیاط محتملاً به دنبال سلیقه جدید باب آن عصر و جهت خود را از دست داده است. در گوشه شرقی حیاط اینک چاهی حفر شده است (یا دوباره بازسازی شده است) که برای تسهیل و شوی به کار نمی‌رفته است. تاسیسات اصلی برای شوی در سمت شرق در پائین، خارج از مسجد اصلی جا گرفته بوده است.

محراب، طاقچه قابل مشاهده‌ای از سمت بیرون را تشکیل می‌داده که ظاهراً با گچبری‌های زیادی مستطین تمام پایه محراب تزئین بوده است.

کنگره‌هایی از گچ که با آذین برگ نخلی پوشانده بودند، در راس نمای بیرونی قرار گرفتند. کنگره‌ها با وجود اینکه به هر بنای مذهبی تعلق داشته‌اند و برای هر مسجدی بایسته تصور کرده شوند، فقط در اینجا برای ایران تأیید شده‌اند. آنها را این مساجد دمشق، مدینه، سامره، مساجد قدیمی قاهره، مساجد یمن یک علامت مشخصه هستند. کنگره‌ها از دوره باستان به عنوان نشانه اشرافیت برای معابد و بنای کاخ‌ها معتبر بوده‌اند و به همین سبب نیز در بناهای مذهبی اسلامی پذیرفته شده‌اند.

مسجد دامغان

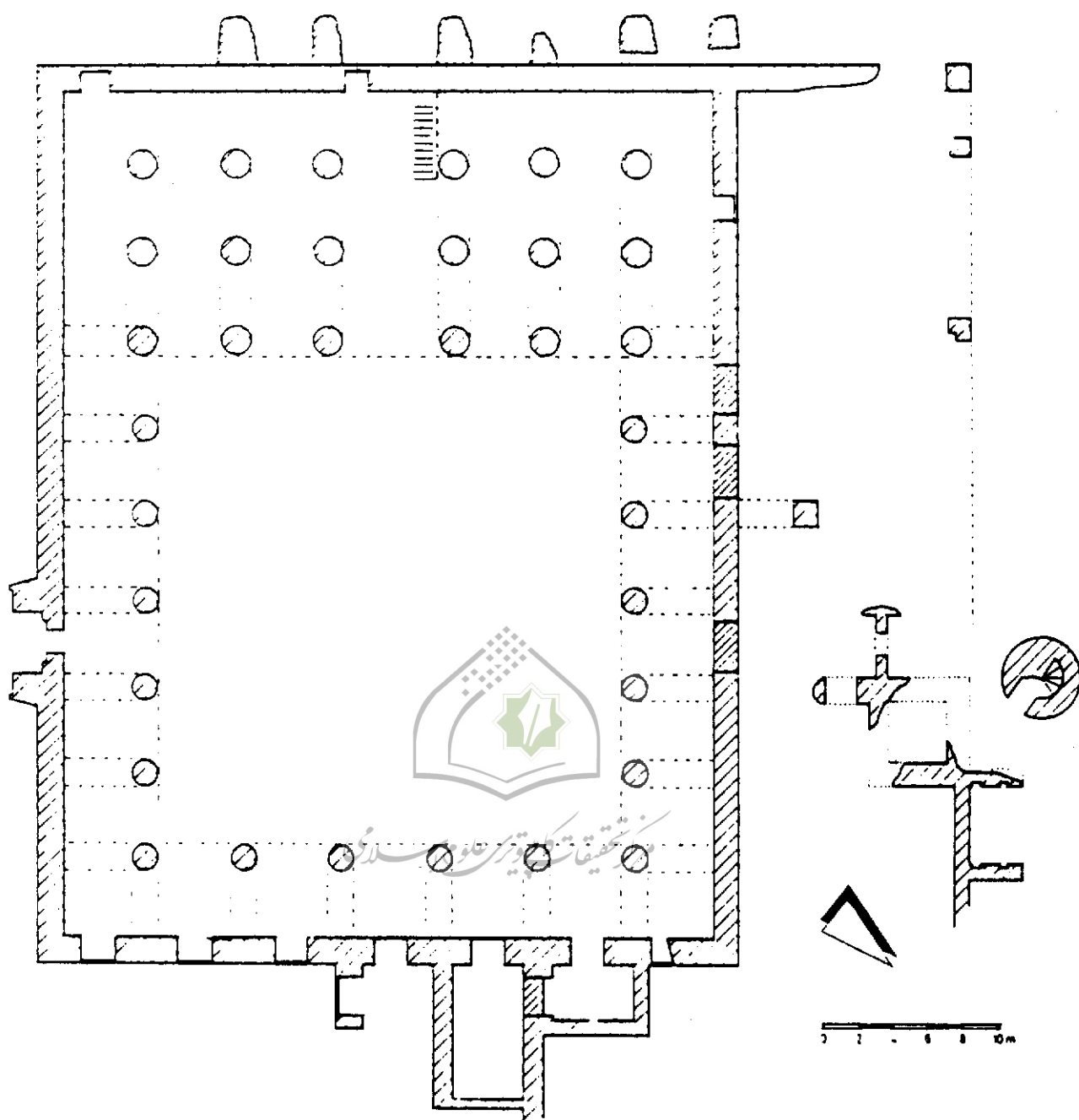
تنها مسجد تقریباً کاملاً سالم قدیمی ایران در شمال شرقی

سرزمین، در خراسان قرار دارد. مسجد نشان دهنده خطوطی است که می‌توانند به عنوان خطوطی وابسته به منطقه معتبر باشند. ولی با این وصف نشان می‌دهد که فرم‌های ویژه و تزئینات فضا در بناهای بین النهرین نیز باز یافته می‌شود.

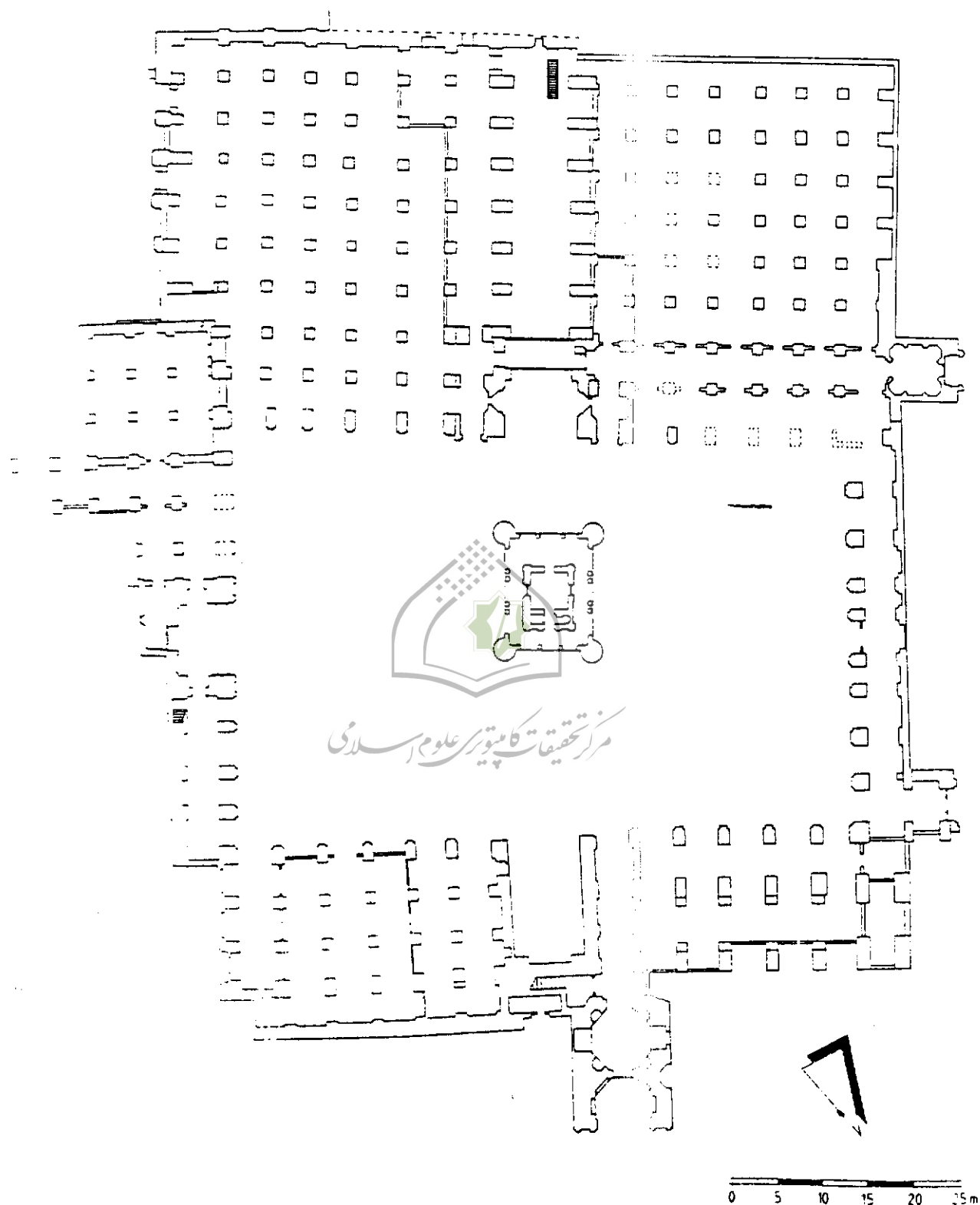
مسجد دامغان از نظر طرح کلی به طور گذرا یادآور مسجد شوش است، با این وصف سطح حیاط نسبت به بخش‌های مسقف کوچکتر است (شکل ۹). این تاسیسات نیز مستطیل شکل است. هفت شبستان با هر سه طاقگان، شبستان اصلی (فضای حرم) را تشکیل می‌دهند. رواقی حیاط را دور می‌زند که طاقگان‌های آن مثل طاقگان‌های فضای حرم قائم الزاویه به سمت دیوار بیرونی می‌رود. به وسیله شبستان عریض وسط و ورودی شمال شرقی. محوری ایجاد می‌شود که البته بعداً در یک بی‌هدفی خاص ادامه می‌یابد و بین منبر و محراب که همراه با هم در شبستان وسط جا گرفته‌اند، پایان می‌گیرد. در رواق شمال شرقی با وجود اینکه در آنجا یک ورودی وجود دارد، خرابی عریض‌تری متناسب با آن نیست. ورودی دیگری در شرق وجود دارد. در شمال وجود درهائی حتمی نیست. ورودی شرقی می‌تواند به یک اتاق مجاور یا به محل شست و شوی منتهی شده باشد. یک چنین ترتیبی در مسجد آموی دمشق نیز یافت می‌شود. جایی که بوسیله دو بازوی عرضی مرتفع محوری ایجاد می‌شود که در شمال مطابق با منار است، ولی ورودی اصلی نیست. ورودی‌های بزرگ بوسیله تنظیم معبد قدیمی به روایتی به طور اتفاقی در شرق و غرب قرار گرفته‌اند.

جابجایی محراب از محور فقط با اهمیتی که به منبر داده می‌شود قابل توضیح است. منبر و محراب ارزش یکسانی دارند که در اینجا خلاصه می‌شوند و به وسیله شبستان وسط تشدید می‌گردند. این ارتباط منبر و محراب که تمرکز نمادین عمل آئین مذهبی است در مسجد دامغان حفظ نشده است، بلکه به همین شکل در مساجد بعدی شیراز و فهرج که احتمالاً به قرن ۹ تاریخ گذاری شده‌اند و همچنین در بناهای یمنی (شکل ۱۰) ظاهر گردیده است.

مسجد در طرح بنای خود غیر عادی به نظر می‌رسد، ولی در تناسب حجم‌های ساختمانی زیبا است. حرم مسجد در ارتفاع اصلی طاقگان خود بنای عظیم محدودی را عرضه می‌کند که بر



شکل ۹ - داخل، تری حیدر

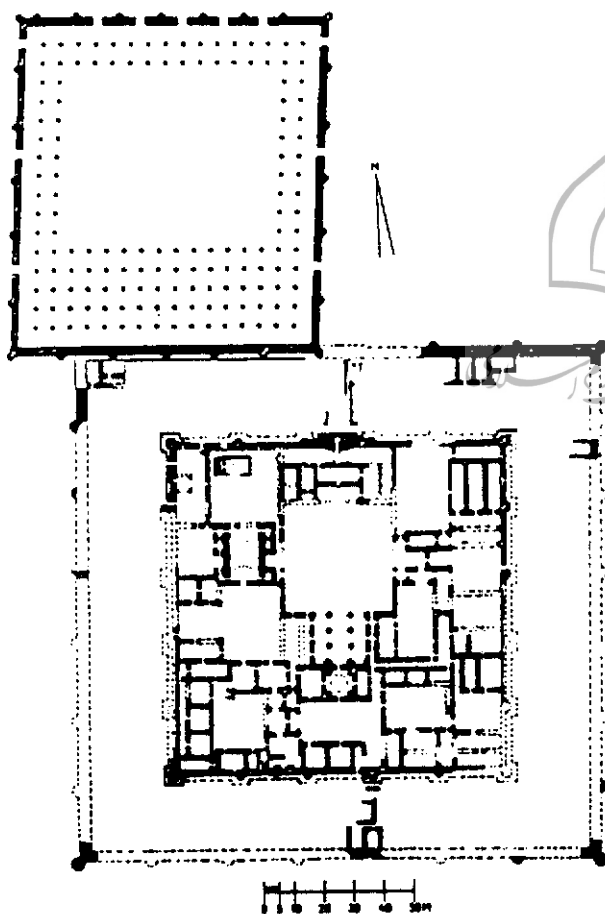


پلان معماری ساختمان مرکزی

مرو یا نیشابور قرار دارد.

مسجد در طرح اصلی نمونه‌های 'اموی' را به همان شکل که در سوریه ساخته شده بودند دنبال می‌کند. شبستان میانی عریض‌تر که می‌تواند بلند و مجزا باشد، شاخص است. از این میان با وجود اینکه تاسیسات عریض مستطیل شکل، مثل مورد مسجد 'اموی' دمشق، با اعتراض ترجیح داده می‌شود، ولی طرح اصلی تغییرناپذیر باقی می‌ماند و از این طریق از محور قرار گرفتن مؤکد بنا اجتناب می‌شود و جلوه شبستان میانی حفظ می‌گردد.

نظم طاقان نیز به نمونه مسجد 'اموی' - سوریه‌ای باز می‌گردد. اشاره به تالار دامغان از دوره ساسانی برای توضیح (۱۱) معماری مسجد دامغان نباید کافی باشد. تالار تاج گذاری نیز که به قرن ۵ تاریخ گذاری می‌شود و امروزه در



شکل ۱۱ - کوفه، مسجد و الاماره

حیاط مسلط است و از رواق کوتاه حیاط متمایز می‌شود. حیاط از این طریق ویژگی یک فضای داخلی را به دست می‌آورد و بدین ترتیب با فضای وسیع مساجد در بین النهرین تفاوت دارد.

شبستان‌ها همان گونه که گفته شد قائم الزاویه از حرم با سه طاقان و در رواق‌هایی حیاط هر یک با یک طاقان به سمت دیوار هاب بیرونی می‌روند. بدین نحو جزء جزء اجزای ساختمانی به روشنی از هم تفکیک می‌شوند. بین نمای حرم و فضای داخل یک عدم توافق قطعی وجود دارد. بلندی نما از داخل به حد طاق گهواره‌ای نمی‌رسد. طاقان‌ها به نسبت کوتاه هستند و بدین وسیله تک تک شبستان‌ها از هم جدا می‌کنند. کهن گرائی تاثیر فضا به وسیله نسبت طاق بلند گهواره‌ای به کوتاهی پشتیبان‌های جسیم، تشدید می‌شود. قوس‌ها هنوز فرم شلجمی را نشان می‌دهند که بناهای اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی را مشخص می‌سازد و با این وصف به یک نوک تیز عیناً مثل قوس‌هایی در قصر عطشان (Atšan) ختم می‌شود. فضا یادآور سرسرای قصر الاوخیدر (Uhaider) با منطقه پست و کمی خفه طاقان است که بوسیله بلندی طاق باید دل‌بازتر شود.

نمای حرم به وسیله شبستان عریض‌تر میانی که با طاقی گهواره‌ای پوشیده است، تشدید می‌شود، به ویژه که قوس عیناً مثل امروز از یک زمینه مخصوص به خود باید احاطه بوده باشد. بدین وسیله نمای حرم به یادآورنده نمای قصری مثل آنچه که در الاخضرا باقی مانده است، می‌باشد. در این استواری شبستان میانی قبلاً اساس تفکر برای ایوان یا فکر ایوان از قبل، اساس این شبستان قرار داشته است. تحلیل ایوان به عنوان شبستان میانی و فضای عبادی باید خود به خود از آن نتیجه شود.

اگر مسجد مناری داشته بود، در این صورت این منار بیرون از بنا در شمال غربی، محتملاً در داخل نوعی فضای الحاقی قرار داشته است. اینکه آیا مدخل شرقی در اصل پیش از این جابجا شده بوده است، قابل تردید است.

مسجد دامغان اثر هنری کاملی را به نمایش می‌گذارد، چون طرح اصلی یک بنای مذهبی بیگانه برای سرزمین را با امکانات زبانی خاص خود بیان می‌دارد. این سؤال که چگونه به این معماری پیشرفته دست یافته شده است، به سختی قابل پاسخ است. نمونه برای آن احتمالاً در مرکزی بزرگ در شرق، مثلاً در

فاصله‌ای دور بیرون از شهر قرار دارد باید از قبل در آن دوره ویران بوده باشد. این تالار فقط ثابت می‌ماند که در معماری ساسانی طاقگان‌ها در اتاق‌های معینی به کار برده شده‌اند. برای مثال می‌توان یکی از تالارهای آتشکده تحسین سلیمان، در بنای معبدی در عراق، در بنای قصر شیرین، در تاج گذاری تلؤل الاوخیدر (Tulul al-Uhaidir) در دارالعمارة شوقه (شکل ۱۱) نام برد. سرسراهای ستون داری، خصوصاً همراه با طاقگان از دوره ساسانی روایت نشده است. همان گونه که خلا گفته شد، مساجد ستون دار قدیمی طبق سنت عربی سقف هم‌داری داشته‌اند که مستقیماً روی پشتیبان‌ها قرار می‌گرفته است.

مساجد ستون دار همراه با طاقگان در ارتباط با طاق ضربی سنتی برای خراسان یک نوپردازی را برای تزیین تصویر می‌کند. همان طور که ذکر شد نمونه برای آن مسجد نبوی سوریه بود که صرف نظر از مساجد قدیمی بین النهرین دوره اموی در ایران نیز برای بنای مذهبی اهمیت یافته بوده است. اشاعه این نوع مسجد به عنوان طرح "اموی‌ها" قابل درک است.

پانویس‌ها:

۱- کرس ول آلن (creswell/Allan)، ستون‌های اموی همچنین در قاط، مرو، الرود، رباط. نگاه کنید به نشریه EMA II,38.

2- EMA II,38

۳- به عنوان مثال، مسجد ظفار دسین، مقایسه شود با نشریه ABADY I,1982,Tat.107b

۴- بدین ترتیب به عنوان مثال اولین محراب مسجد اموی در دمشق و گویا محراب مسجد جامع ایروان و غیره تغییر یافته است. وقتی خلیفه جهت محراب در مسجد کوردوبا را می‌خواست اصلاح کند فقیه ابوالبراهیم به او گفت: ای حکمران مؤمنان! در جهت این قبله امامان اجداد تو، مسلمانان متدین و عالم، نیک‌ترین مسلمانان نماز گذارده‌اند...

al - Maqqari,Nafh at - tib (Kairo 1949) 98,S.Salem,Cronologia de la mezquita mayor de Cordoba,Al - Andalus 19,1959,400.

5- Abady 3,1986,Abb.37.

6- J.Sauvaget,La mosquee omeyyade de Medine : etude sur les origines architecturales de la mosquee et de la basilique (Paris 1947) Abb.5.Taf.II.

7- Ann.102

8- UVB XXIX. und XXX. vorläufiger Bericht 1970-71 und 1971-72 (Berlin 1979) Taf.72.

9- Ph.Ackerman in SPA II,834 ff.

۱۰- F.Kimball in SPA II ,579 ff,J.Kroger,Sasanidischer Struckdekor «بیس کروگر»، گچبری ساسانی نگاشته‌ای در مورد تزیینات برجسته گچبری در دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی پس از حفاریات ۱۹۲۸-۹ و ۱۹۳۱-۲ در تیسفون (عراق) پایتخت ساسانیان = تحقیقات بغداد

جلد پنجم (مانیچس ۱۹۸۲) ص ۱۹۳.